خبر

مرگ مشکوک در پشت‌بام مغازه

جسد مرد جوان در پشت‌بام مغازه محل کارش در حالی پیدا شد که آثار ضربه‌های چاقو روی بدنش وجود داشت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۶ سه‌شنبه نوزدهم آبان امسال، مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و از کشف جسد همسایه‌اش در محله نامجو خبر داد. در پی این تماس، مأموران کلانتری نامجو برای بررسی موضوع به محل اعزام و با جسد مردی ۳۰ ساله و تبعه افغانستان در پشت‌بام یک مغازه روبه‌رو شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد ساعاتی از مرگ او گذشته است. آثار ضربات چاقو در ناحیه قلب، مچ دست و گردن مقتول وجود داشت و کیسه‌ای پلاستیکی نیز روی سرش کشیده شده بود.

با تحقیق از برادر متوفی، مشخص شد او و برادرش در مغازه لوازم خانگی با یکدیگر شریک بودند و در آنجا کار می‌کردند. برادر مقتول به‌تازگی ازدواج کرده بود و او و دیگر اعضای خانواده نمی‌دانستند چه اتفاقی برای مرد جوان افتاده است.

این در حالی بود که مأموران فیلم دوربین مداربسته مغازه را بازبینی کردند و دریافتند مقتول ساعت دو بعدازظهر همان روز، چاقویی از مغازه برداشته، آن را زیر لباسش پنهان کرده و به پشت‌بام رفته است. پس از آن، دوربین دیگر تصویری از او ثبت نکرده بود.

در ادامه، مأموران از همسایه‌ها نیز تحقیق کردند و دریافتند مرد جوان که پنج سال پیش اعتیادش را ترک کرده بود، همچنان قرص‌های اعصاب مصرف می‌کرده است.

با توجه به مشکوک بودن مرگ این جوان تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از ابعاد این پرونده آغاز شد.

۳ روایت از بخشش

از گذشت ۳۰۷ سکه مهریه تا پایان کابوس دیه پسر نوجوان



گذشت یک زن از بخش عمده مهریه‌اش، تلاش گروهی از جوانان برای آزادی چهار زندانی و همراهی خیران با یک نوجوان که برای پرداخت دیه دوچرخه محبوبش را فروخت، سه روایت از گره‌گشایی و بازگشت زندانیان جرائم غیرعمد به آغوش خانواده‌های‌شان است. روایت‌هایی که نشان می‌دهد گاهی یک گذشت، یک تصمیم دوستانه یا حتی فروش وسیله‌ای دوست‌داشتنی می‌تواند سرنوشت یک خانواده را تغییر دهد.

زندانی شدن به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه، بدهی یا دیه، فقط به معنای گرفتار شدن یک نفر پشت میله‌های زندان نیست؛ خانواده‌ای هم در بیرون از زندان چشم‌انتظار بازگشت اوست. در چنین شرایطی، گذشت شاکیان، همراهی خانواده‌ها و کمک خیران می‌تواند راهی برای پایان دادن به این انتظار باشد. در ماه‌های گذشته نیز مددکاران ستاد دیه استان تهران با پیگیری پرونده‌های مختلف و جلب مشارکت مردم، زمینه آزادی تعدادی از زندانیان جرائم غیرعمد را فراهم کرده‌اند. سه پرونده زیر، نمونه‌هایی از این تلاش‌هاست.

بخشش ۳۰۷ سکه برای بازگشت همسر به خانه

اختلاف خانوادگی، مردی را به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه راهی زندان کرد اما گذشت همسرش از ۳۰۷ سکه از مهریه ۳۰۹ سکه‌ای، سرانجام راه آزادی او را هموار کرد.

این زن پس از بروز اختلاف با همسرش، مهریه خود را به اجراگذاشت و با رسیدگی به پرونده، مرد به دلیل ناتوانی در پرداخت آن زندانی شد. مرد پس از مدتی درخواست اعسار داد که دادگاه نیز با پذیرش آن، پرداخت دو سکه به‌عنوان پیش‌قسط و تسویه باقی مهریه به صورت اقساط را تعیین کرد. با این حال، مرد حتی توانایی پرداخت همان دو سکه پیش‌قسط را هم نداشت و به همین دلیل برای رهایی از زندان به ستاد دیه استان تهران مراجعه کرد.

مددکاران این ستاد پس از بررسی پرونده، گفت‌وگو با همسر مرد را آغاز کردند. تلاش آنها سرانجام نتیجه داد و زن پذیرفت از ۳۰۷ سکه مهریه خود بگذرد و تنها دو سکه دریافت کند. با این گذشت بزرگ، مشکل اصلی برای آزادی مرد برطرف شد اما همچنان باید دو سکه باقی‌مانده تأمین می‌شد.

در ادامه، خانواده زندانی یک سکه را تهیه کردند و سکه دوم نیز با مشارکت خیران نیک‌اندیش فراهم شد تا این مرد پس از مدت‌ها دوری از خانواده، از زندان آزاد شود.

۳ گلریزان دوستانه برای آزادی چهار زندانی

گاهی یک تصمیم در جمعی دوستانه می‌تواند به حرکتی ماندگار برای کمک به دیگران تبدیل شود. ماجرا از آنجا آغاز شد که گروهی از جوانان در روزهای نخست سال و همزمان با گسترش جنگ تحمیلی در تهران، در یک دورهمی دوستانه تصمیم گرفتند بخشی از درآمد خود را برای آزادی زندانیان جرائم غیرعمد اختصاص دهند.

آنها تصمیم گرفتند به جای تماشای مشکلات، سهمی در حل گرفتاری خانواده‌هایی داشته باشند که یکی از اعضای آنها به دلیل بدهی مالی راهی زندان شده بود.

ایده ساده بود؛ هر کدام از اعضای گروه بخشی از درآمد خود را کنار بگذارد تا با جمع‌آوری کمک‌ها، زمینه آزادی زندانیان نیازمند فراهم شود. این تصمیم به همان دورهمی محدود نماند و به فعالیتی جمعی برای برگزاری گلریزان تبدیل شد. یکی از اعضای این گروه درباره فعالیت‌شان می‌گوید: «ما در فضای مجازی گروهی داریم که گلریزان برگزار می‌کنیم. گاهی هم در اینستاگرام استوری می‌گذاریم تا افراد بیشتری در این کار مشارکت کنند. هر کدام از ما با نیتی وارد این مسیر شده‌ایم؛ یکی با نذر سلامتی مادرش و دیگری به امید برکت در کسب‌وکارش.»

این جمع دوستانه در هفت ماه نخست امسال سه گلریزان برگزار کرده و با جمع‌آوری کمک‌های اعضا و همراهی افراد دیگر، زمینه آزادی چهار زندانی را فراهم کرده است؛ یک زن که برای راه‌اندازی کسب‌وکار با مشکلات مالی روبه‌رو شده بود و سه مرد که هر کدام به‌عنوان پدر خانواده، در پی گرفتاری‌های مالی و کاری ناخواسته راهی زندان شده بودند.

اعضای این گروه قصد دارند فعالیت خود را ادامه دهند و امیدوارند در گلریزان‌های بعدی، افراد بیشتری به جمع آنها بپیوندند تا تعداد بیشتری از زندانیان جرائم غیرعمد به خانه و کنار خانواده‌های‌شان بازگردند.

عباس کشانی، رئیس ستاد دیه استان تهران نیز با اشاره به اهمیت مشارکت‌های مردمی در آزادی زندانیان گفت: رواج فرهنگ گلریزان‌های خانوادگی و دوستانه نقش مهمی در آزادی زندانیان جرائم غیرعمد دارد. همراهی جمع‌های کوچک و بزرگ مردمی می‌تواند با کنار هم قرار گرفتن کمک‌های هرچند اندک، زمینه بازگشت زندانیان نیازمند به خانواده‌های‌شان را فراهم کند.

فروش دوچرخه رؤیایی برای فرار از کابوس دیه ۴۰۰ میلیونی

برای پسری ۱۵ ساله که در کنار درس خواندن کار می‌کرد تا بتواند دوچرخه‌ای برای خودش بخرد، دوچرخه‌سواری یکی از شیرین‌ترین لذت‌های زندگی بود اما یک حادثه در سراشیبی خیابان، این شادی را به نگرانی بزرگی تبدیل کرد. برخورد دوچرخه او با یک زن عابر، پرونده‌ای با دیه ۴۰۰ میلیون تومانی رقم زد؛ مبلغی که پرداخت آن از توان خانواده نوجوان خارج بود.

این پسر نوجوان با کار کردن و پس‌انداز، سرانجام توانسته بود دوچرخه مورد علاقه‌اش را بخرد. او با شوق از آن استفاده می‌کرد اما یک روز هنگام عبور از سراشیبی، کنترل دوچرخه را از دست داد و با زن میانسالی برخورد کرد.

زن عابر در این حادثه دچار شکستگی دست و آسیب‌های دیگر شد. با تشکیل پرونده قضایی و تعیین میزان دیه، خانواده نوجوان با بدهی سنگینی روبه‌رو شدند. پرداخت ۴۰۰ میلیون تومان برای آنها امکان‌پذیر نبود و نگرانی از آینده فرزندشان و احتمال معرفی او به کانون اصلاح و تربیت، روزهای دشواری را برای خانواده رقم زد.

پدر و مادر این نوجوان برای دریافت کمک به ستاد دیه استان تهران مراجعه کردند. پس از بررسی وضعیت مالی آنها، مشخص شد خانواده توانایی پرداخت مبلغ تعیین‌شده را ندارد. مددکاران ستاد دیه نیز برای حل مشکل، با زن آسیب‌دیده وارد گفت‌وگو شدند.

این زن اعلام کرد برای درمان آسیب‌های ناشی از حادثه ۲۵۰ میلیون تومان هزینه کرده و خواسته‌اش دریافت همین مبلغ است. به این ترتیب، با کاهش مبلغ مورد مطالبه، مسیر جلب رضایت شاکی هموار شد.

اما بخش دیگری از این ماجرا به تصمیم خود نوجوان بازمی‌گشت. او که برای خرید دوچرخه مورد علاقه‌اش مدت‌ها کار کرده و پس‌انداز کرده بود، تصمیم گرفت برای جبران خسارت، همان وسیله‌ای را که با زحمت به دست‌آورده بود بفروشد. دوچرخه به فروش رفت و از محل آن ۲۲ میلیون تومان فراهم شد. باقی مبلغ نیز با کمک خیران تأمین شد تا سرانجام با پرداخت ۲۵۰ میلیون تومان و جلب رضایت زن آسیب‌دیده، زمینه جلوگیری از معرفی نوجوان به کانون اصلاح و تربیت فراهم شود.

عباس کشانی، رئیس ستاد دیه استان تهران، با اشاره به این سه پرونده گفت: «این سه پرونده، هر کدام روایتی متفاوت از گرفتار شدن در مشکلات مالی و راهی برای رهایی از آن است؛ از زنی که بخش عمده مهریه‌اش را بخشید تا جوانانی که کمک‌های‌شان را روی هم گذاشتند و نوجوانی که برای جبران خسارت، از دوچرخه محبوبش گذشت. روایت‌هایی که نشان می‌دهد گاهی برای باز شدن گره زندگی یک خانواده، تنها یک قدم خیرخواهانه کافی است.»

گزارش «تپش» از حوادث تلخ گازگرفتگی که این روزها قربانی می‌گیرد

جولان قاتل نامرئی در سرما



لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

مرگ خاموش با گاز دی‌اکسید کربن همچنان در کمین مردم است؛ حوادثی که با وجود هشدارهای متعدد بارها تکرار می‌شود و در این میان، عده‌ای جان خود را از دست می‌دهند و برخی دیگر تا یک قدمی مرگ پیش می‌روند، اما نجات پیدا می‌کنند. بر اساس آمارهای سازمان پزشکی قانونی کشور، در سال گذشته ۸۳۰ نفر براثر مسمومیت با گاز منوکسید کربن جان خود را از دست دادند که از این تعداد ۵۵۶ فوتی، تنها مربوط به نیمه دوم سال است. ۶۷ درصد از کل تلفات گازگرفتگی سال گذشته در نیمه دوم سال ثبت شده است؛ به‌طوری‌که بهمن با ۱۴۹ فوتی، بیشترین آمار جان‌باختگان را به خود اختصاص داده است. بر اساس این گزارش، آمار مسمومیت با گاز منوکسید کربن در شش‌ماهه دوم سال گذشته در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از آن کاهش ۱۰/۶درصدی را نشان می‌دهد. کاهش آمار تلفات مسمومیت با گاز در نیمه دوم سال گذشته در حالی ثبت شده که در پنج‌ماهه اول امسال با افزایش این آمار مواجه بوده‌ایم. در این پنج ماه، ۲۶۱ نفر براثر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵/۲درصد افزایش یافته است.

براساس اعلام این سازمان و در سال گذشته، بیشترین تلفات مسمومیت با گاز منوکسید کربن به ترتیب در استان‌های تهران با ۱۲۷، خراسان‌رضوی با ۵۹ و اصفهان با ۵۸ فوتی و کمترین آن در استان‌های هرمزگان و سیستان‌وبلوچستان هرکدام با چهار، ایلام با پنج و قم و کهگیلویه‌وبویراحمد هرکدام با شش فوتی ثبت شده است. مرگ‌ومیرهای ناشی از گاز مونوکسید کربن آنچنان روند صعودی دارد که چند روز پیش، سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور با هشدار درباره افزایش حوادث مسمومیت با گاز منوکسید کربن گفت: در سال جاری و در همین بازه زمانی دو الی سه هفته اخیر نیز با وجود این‌که هنوز سامانه‌های بارشی و سرمای استخوان‌سوز زمستان نرسیده، ۱۶۷ مورد مسمومیت ثبت شده که متاسفانه هشت نفر به همین دلیل فوت کرده‌اند.

تداوم مرگ‌ومیرها با گاز بی‌رنگ و بو

در تازه‌ترین مرگ‌ومیرهای ناشی از مونوکسید کربن، یک پدر و پسر ۴۸ و ۱۸ساله در میدان هفت‌باغ کرمان قربانی این گاز خطرناک شدند. این حادثه ۱۰ آبان‌ماه امسال در حالی رخ داد که یک گزارش مبنی بر مسمومیت با گاز مونوکسید کربن در اختیار اورژانس قرار گرفت، اما امدادگران پس از حضور در محل با پیکر بی‌جان پدر و پسر مواجه شدند که براثر انتشار گاز منوکسید کربن ناشی از سوختن زغال جان خود را از دست داده بودند.

۲۳ مهر ماه سال ۱۴۰۵ نیز سخنگوی سازمان آتش‌نشانی مشهد از مرگ چهار عضو یک خانواده در بلوار رسالت مشهد خبر داد. قربانیان شامل پدر و مادر و دو فرزند بودند. با اعلام خبر، بلافاصله نیروهای عملیاتی ایستگاه ۴۵، اورژانس و پلیس نیز در محل حادثه حاضر شدند. با حضور عوامل امدادی در محل مشخص شد که هر چهار نفر از اعضای این خانواده شامل پدر و مادر و دو کودک چهار و هشت‌ساله براثر گازگرفتگی جان خود را از دست داده‌اند. براساس بررسی‌های اولیه، علت این حادثه عدم جانمایی صحیح آبگرمکن و نشت گاز بوده است.

ششم آبان‌ماه سال ۱۴۰۵ نیز فرمانده انتظامی مشهد از مرگ دختری جوان و مردی ۳۶ ساله براثر مسمومیت با گاز مونوکسید کربن در دو حادثه جداگانه خبر داد. به گفته حسینعلی‌زاده، پس از حضور ماموران و نیروهای امدادی در محل، پیکر جان‌باختگان با هماهنگی مرجع قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد.

۱۷ آبان نیز یک زوج سالمند در مشهد بر اثر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند. این حادثه ساعت ۱۶ در محدوده حر ۴۸ به

نقشه شوم طلبکار برای قتل مادر مرد بدهکار



مرد میانسال که نتوانسته بود طلب‌هایش از مرد معتاد را دریافت کند نقشه عجیبی طراحی کرد. او برای قتل مادر مرد معتاد دختری را اجیر کرد تا ارثیه او را به جای طلب‌هایش بردارد. متهمان پس از جنایت جسد زن میانسال را در بیابان آتش زده بودند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل فروردین امسال مردی میانسال با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کرد خواهر میانسالش ناپدید شده‌است. او در تشریح ماجرا گفت: خواهرم زنی پولدار است که در یکی از محله‌های تهران زندگی می‌کند و چندین خانه و ملک دارد. علاوه بر آن خانه باغی هم در اطراف تهران دارد که گاهی به آنجا می‌رود. چند روز به تلفن خواهرم زنگ می‌زدم پاسخگو نبود و بعد تلفن خاموش شد. او پسری جوان دارد که معتاد است و زیاد میانه خوبی با هم ندارند. چندمرتبه به تلفن خواهرزاده‌ام زنگ زدم که سرانجام پاسخ داد و گفت یک هفته است که از مادرش خبری ندارد. وی افزود: نزد اقوام و دوستان سراغ خواهرم را گرفتم اما کسی از او خبری نداشت. دل‌نگران حال خواهرم هستم. همچنین به خانه ویلایی خواهرم در اطراف تهران رفتم که همسایه‌ها همگی از او بی‌خبر بودند. پسر معتادش تنها وارث خواهرم است و می‌ترسم او بلایی سر مادرش آورده باشد تا ارثیه را تصاحب کند.

با جمع‌بندی این اطلاعات، مأموران پسر معتاد زن گمشده را احضار کردند که وی در اظهاراتش گفت: به دلیل اعتیادم رابطه خوبی با مادرم ندارم اما نمی‌دانم کجاست و زمانی که گفته می‌شود مادرم گمشده، در پاتوق دوستان معتادم بودم. مادرم می‌خواست با دوستانش برای تفریح برود. با حضور مأموران در پاتوق او در یکی از محله‌های جنوبی تهران و در تحقیق از حاضران در آنجا معلوم شد گفته‌هایش صحت دارد و در ماجرای گمشدن مادرش نقشی ندارد.

تحقیقات در این رابطه ادامه داشت تا این‌که مأموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که معلوم شد پسر معتاد این زن، بارها از مرد میانسال همسایه خانه باغ برای خرید مواد پول گرفته و بابت بدهی‌هایش به این مرد سفته‌های مختلفی داده است. این مرد برای تحقیقات به اداره پلیس احضار شد و گفت: زن گمشده همسایه خانه باغم بود، ارتباط خوبی هم با وی داشتم. همین باعث شده بود، پسرش وقتی نمی‌توانست از مادرش هزینه خرید ماده مخدر شیشه بگیرد سراغم می‌آمد و از من پول قرض می‌گرفت. بدهی‌هایش زیاد شده بود و در قبال آن سفته می‌داد اما از سرنوشت مادرش خبری ندارم و خود مرد معتاد هم فراکرده و نتوانسته‌ام طلبم را وصول کنم.

دو هفته قبل مأموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد آخرین نفری که با زن گمشده دیده شده همین مرد همسایه و دختری جوان بوده که سوار یک خودرو بودند. همین سرنخ کافی بود تا به مرد همسایه مظنون شوند. او با دستور قضایی بازداشت شد و در تحقیقات به تناقض‌گویی پرداخت و در ادامه اعلام کرد دختر جوانی که برای انجام نظافت به خانه باغ می‌آمده زن میانسال گمشده را به قتل رسانده اما از انگیزه‌اش بی‌اطلاع است.

با توجه به اظهارات جدید این مرد، دختر ۲۰ ساله شناسایی و بازداشت شد. او ابتدا مدعی شد زن گمشده را نمی‌شناسد و از سرنوشت وی خبری ندارد اما در مواجهه حضوری با مرد همسایه به قتل اعتراف کرد و گفت: خانواده‌ام در روستا بودند و برای نظافت به خانه مرد میانسال در شهریار می‌رفتم که با زن میانسال همسایه او آشنا شدم. این مرد بابت طلب‌هایش از پسر معتاد این زن سفته‌هایی گرفته و نتوانسته بود طلب‌هایش را وصول کند. چون من وضع مالی خوبی نداشتم او به من وعده داد اگر در قتل این زن کمکش کنم تا بتواند اموالش را تصاحب کند، می‌تواند وضعیت مالی من و خانواده‌ام را بهبود ببخشد که قبول کردم. یک روز به بهانه نظافت خانه باغش، او را هم سوار خودرو کردیم و بردیم. در میانه مسیر منتهی به خانه باغ مرد میانسال با سرعت بالایی در حرکت بود که با دستور او و در را بازکردم. او زن را هول داد و یکدفعه به بیرون پرت شد. دوباره به محل بازگشتیم و فهمیدیم او بر اثر همان پرت شدن مرده است. وقتی متوجه شدیم کسی در جاده نیست جسد را در صندوق عقب قرار دادیم و در بیابانی سوزاندیم.

با اعتراف او، مرد میانسال گفته‌های دختر جوان را تأیید کرد و گفت: پسر معتاد این زن به من بدهی داشت و در قبال آن سفته گرفته بودم اما نتوانستم طلبم را وصول کنم. به این فکر افتادم که او تنها وارث مادر پولدارش است، اگر این زن فوت کند، ارثیه میلیاردی به او می‌رسد. بنابراین تصمیم به اجرای نقشه قتل این زن گرفتم تا به جای سفته‌ها از پسر معتادش ارثیه‌اش را بگیرم. چون خدمتکارم وضع مالی خوبی نداشت او را فریب دادم که این زن را از خودرو به بیرون بیندازد و به قتل برساند. بعد هم به او قول دادم هزینه زندگی خانواده‌اش را تأمین کنم.

با اعتراف متهمان پرونده، مأموران در بیابان‌های اطراف تهران توانستند بقایای جسد سوخته را پیدا کنند.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: برای دختر ۲۰ ساله عامل جنایت و مرد میانسال همدستش قرار قانونی صادر شد و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

درگیری مرگبار ۲ همس

درگیری دو همسایه بر سر نگهداری یک گربه در مجتمع مسکونی، به جنایتی خونین ختم شد. مردی که در جریان این اختلاف با پرتاب چاقو باعث مرگ همسایه‌اش شده، در دادگاه کیفری مدعی شد ضربه‌ای که زده، کشنده نبوده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از مهر سال ۱۴۰۳ و در پی اعلام گزارش درگیری میان دو همسایه به پلیس آغاز شد. مأموران پس از حضور در محل با پیکر مردی روبه‌رو شدند که در جریان این درگیری به شدت مجروح شده بود. با وجود تلاش برای نجات او، مرد جان باخت و تحقیقات جنایی برای شناسایی عامل این حادثه آغاز شد. در ادامه بررسی‌ها، همسایه مقتول به‌عنوان متهم شناسایی و بازداشت شد. او در جریان تحقیقات به قتل اعتراف کرد و درباره علت درگیری گفت اختلاف آنها از موضوع نگهداری یک گربه در محوطه مجتمع آغاز شده بود. پس از تکمیل پرونده و جمع‌آوری مستندات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در ابتدای جلسه رسیدگی، پدر و فرزندان مقتول در جایگاه قرار گرفتند و با طرح شکایت خود، خواستار قصاص متهم شدند. سپس متهم در جایگاه ایستاد تا درباره ماجرای درگیری و اتهام مطرح‌شده علیه خود توضیح دهد.

او در تشریح ماجرا گفت: «چند ماه پیش از حادثه، مقتول بچه‌گربه‌ای را به مجتمع آورده بود و مدام در باغچه خانه برای آن غذا می‌ریخت. به همین دلیل وضعیت حیاط مجتمع به‌هم ریخته و بسیار کثیف شده بود. من چند بار به آنها تذکر دادم و خواستم مانع این کار شوند

آزار شیطانی دختر ج

دختر جوان تصور نمی‌کرد قراری که با وعده ازدواج و آشنایی بیشتر آغاز شده بود، به ماجرایی تلخ و شکایتی قضایی ختم شود. او که پس از چند هفته ارتباط مجازی و تلفنی به پیشنهاد ملاقات با پسر جوان اعتماد کرده بود، در نخستین دیدار حضوری با او راهی خانه‌اش شد اما خیلی زود متوجه شد از وعده آشنایی با مادر خبری نیست و میزبانش قصد شیطانی دارد. پسر آزارگر با شکایت دختر جوان در برابر مجازات مرگ قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از اوایل تابستان و با شکایت دختر جوانی در پلیس آگاهی آغاز شد. شاکی در اظهارات خود به مأموران گفت چند ماه قبل در یکی از گروه‌های تلگرامی با پسری جوان آشنا شده و پس از مدتی، ارتباط مجازی آنها به تماس‌های تلفنی کشیده شده است. به گفته او، پسر جوان در طول این مدت تلاش کرده اعتمادش را جلب کند و بارها از علاقه خود و تمایلش به ازدواج صحبت کرده بود.

دختر جوان در تشریح ماجرا گفت: «بعد از چند هفته ارتباط، پسر جوان اصرار زیادی داشت همدیگر را ملاقات کنیم اما به‌دلیل شرایط خانوادگی‌ام امکان این دیدار برایم فراهم نبود. سرانجام